

پاسخ‌های کیفری به پدیده روسپیگری در نظام حقوقی ایران و اسناد اتحادیه اروپا

مهرداد رایجیان اصلی

استادیار گروه حقوق، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران

✉ saeed.asadzadeh7989.1@gmail.com

سعید اسدزاده

کارشناس ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده: پدیده روسپیگری به عنوان یکی از چالش‌های پیچیده اجتماعی - حقوقی، رویکردهای تقنینی و کیفری متفاوتی در نظام‌های حقوقی جهان به خود دیده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به بررسی سیاست‌های کیفری ایران و اسناد اتحادیه اروپا در مواجهه با روسپیگری می‌پردازد. پرسش اصلی تحقیق این است: «مبانی اخلاقی، اجتماعی و حقوق بشری حاکم بر جوامع مختلف، چگونه رویکردهای تقنینی و پاسخ‌های کیفری به پدیده روسپیگری را در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا (با تمرکز بر مدل‌های سوئدی، هلندی و انگلیسی) شکل داده و این رویکردهای متفاوت، چه پیامدها و تبعاتی را در عرصه عمل به دنبال داشته است؟» یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت در مبانی ارزشی و اولویت‌گذاری‌های اجتماعی (مانند حفظ اخلاق عمومی در مقابل حق تعیین سرنوشت فردی یا تأکید بر برابری جنسیتی) منجر به شکل‌گیری چهار مدل اصلی سیاست کیفری شده است: مدل سوئدی (جرم‌انگاری خرید خدمات جنسی)، مدل هلندی (قانونی‌سازی با تنظیم مقررات)، مدل انگلیسی (کنترل و کاهش آسیب) و مدل ممنوعیت مطلق (در مورد کودکان). در حقوق ایران، رویکرد تقنینی عمدتاً متأثر از مبانی فقهی است که از طریق عناوین کیفری مرتبط با جرایم جنسی نظیر فساد، تشکیل مراکز فساد و فحشا و سایر عناوین اعمال می‌شود. این مقاله با تحلیل رابطه میان مبانی ارزشی، سیاست کیفری و پیامدهای اجتماعی، در پی تبیین نقاط قوت و ضعف هر مدل است. **واژگان کلیدی:** روسپیگری، رویکردهای تقنینی، پاسخ‌های کیفری، تحلیل تطبیقی، اسناد اتحادیه اروپا

استناد: رایجیان اصلی، مهرداد و اسدزاده، سعید. (۱۴۰۵). پاسخ‌های کیفری به پدیده روسپیگری در نظام حقوقی ایران و اسناد اتحادیه اروپا. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۳)، ۲۵-۵۴.

<https://doi.org/10.22034/jlvi.2026.2065315.1410>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

در حقوق کنونی به مناسبت رویکردهای مختلف در مورد روابط جنسی و امکان جواز یا ممنوعیت آن، شاهد رویکردهایی هستیم که در آن تجارت جنسی نیز متأثر واقع شده است. در برخی از نظام‌های حقوقی موجود در جهان، نه تنها کارگری جنسی مورد ممنوعیت مقنن قرار نگرفته، بلکه در مواردی مورد حمایت مقنن نیز قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در سایر نظام‌های حقوقی، امکان دارد کارگری جنسی در قالب عناوین مجرمانه گنجانده شده و چنین اقدامی واجد ضمانت اجرای کیفری باشد. در نظام‌های محدودی نیز شاهد رویکردهای میانه‌ای هستیم که در آن، جهت کنترل کارگری جنسی و فعالیت‌های مرتبط با آن، دست به اقدامات متمایزی می‌زنند. با این حال، تمام روش‌های فوق با دوره‌های پرسروصدایی از تصویب مقررات و قانون‌گذاری همراه بوده و دارای دوره‌هایی از پایداری نسبی بوده است. در غالب موارد نیز تناوب این وضعیت مقررات و قوانین مربوط به انجام فعالیت جنسی روسپی‌ها به هراس اخلاقی^۱ مربوط می‌شود که روسپی‌ها را در شیوع انحرافات و بیماری‌ها یا محرومیت از مزایای اجتماعی دخیل می‌نمود (Bąkowski & Prpić, 2024: 2).

در واقع، هراس اخلاقی دنباله‌ای از رویدادها است که در آن یک فرد یا گروهی از افراد ظاهر می‌شوند که به‌عنوان یک تهدید برای ارزش‌های اجتماعی^۲ تلقی می‌شوند و از همین نقطه نظر با توجه به نگرانی‌های مربوط به امنیت عمومی، از جمله سلامت عمومی، برخی سیاست‌ها ممکن است به دنبال محدود کردن فحشا با هدف کاهش انتقال عفونت‌های مقاربتی باشند (Bąkowski & Prpić, 2024: 2). برای مقابله با این کار، دولت‌ها و کشورهای مختلف، مواضع قانونی مختلف یا متفاوتی را بر اساس ممنوعیت فعالیت روسپیگری (سوئد)، لغو فعالیت روسپیگری (انگلستان) یا قانونی شدن فعالیت روسپیگری اتخاذ کرده‌اند (هلند). بدین سان، در مورد روسپیگری، مداخلات قضایی علاوه بر توجیه هراس اجتماعی، دارای توجیهاتی مبنی بر حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق جنسی و سوءاستفاده جنسی نیز هست. چنین رویکردی به دلیل دارا بودن جنبه حمایتی و انسانی، در حال تبدیل شدن به رویکردی جهانی است (Provost, 2016: 262). همانطور که پرووست اشاره می‌کند، رویکردهای دوگانه به قانون‌گذاری فحشا موجب تضعیف تلاش‌های بین‌المللی شده است، چنین مواردی در نوع خود باعث نگرش‌های جهانی به موضوع روسپیگری شده است طوری که ربودن انسان و همچنین قاچاق جنسی زنان را به‌عنوان «تجارت جدید برده‌های سفید» بیان می‌کند (Provost, 2016: 262). در مقابل، عده‌ای از اندیشمندان نظر مخالفی ارائه می‌دهند. به نظر آنان، قانونی کردن فحشا (یعنی رابطه

1. Moral panics
2. Societal value

جنسی در ازای دریافت پول) یا جرم‌زدایی کامل از آن و حذف کامل مجازات برای خرید و فروش خدمات جنسی، به کاهش یا جلوگیری از مشکلات مرتبط با این پدیده منجر خواهد لذا دارای نقش پیشگیرانه است (Waltman, 2025: 155). این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های کیفی و قانونی در مواجهه با پدیده روسپیگری در دو نظام حقوقی ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌پردازد. پرسش اصلی تحقیق این است: «مبانی اخلاقی، اجتماعی و حقوق بشری حاکم بر جوامع مختلف، چگونه رویکردهای تقنینی و پاسخ‌های کیفی به پدیده روسپیگری را در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا (با تمرکز بر مدل‌های سوئدی، هلندی و انگلیسی) شکل داده و این رویکردهای متفاوت، چه پیامدها و تبعاتی را در عرصه عمل به دنبال داشته است؟» برای پاسخ به این پرسش، از روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی استفاده می‌شود. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای شامل قوانین موضوعه ایران (مانند قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات مرتبط)، اسناد تقنینی کشورهای اروپایی، اسناد اتحادیه اروپا و پژوهش‌های معتبر داخلی و بین‌المللی گردآوری خواهد شد. این مطالعه به دنبال آن است که با تحلیل تطبیقی، نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها را در مواجهه با پدیده روسپیگری شناسایی کند. در نهایت، این پژوهش می‌کوشد با ارائه تحلیل جامعی از تجربیات مختلف حقوقی، زمینه‌هایی را برای اصلاح و بهبود سیاست‌های کیفی در نظام حقوقی ایران با توجه به مبانی اسلامی و ارزش‌های اجتماعی کشور پیشنهاد نماید. این مقایسه می‌تواند به سیاست‌گذاران ایرانی در تدوین قوانین مؤثرتر و همسوتر با معیارهای حقوق بشری و همچنین حفظ ارزش‌های اسلامی کمک شایانی کند.

۱. سیاست‌گذاری در حوزه روسپیگری: مبانی و رویکردهای موجود

سیاست‌های مرتبط با روسپیگری عمدتاً ریشه در ملاحظات اخلاقی و انگاره‌های معنوی درباره تمایلات جنسی و نقش‌های جنسیتی دارد. این سیاست‌ها عموماً در یکی از دو چارچوب مفهومی جای می‌گیرند: نخست، رویکردی که روسپیگری را پدیده‌ای ذاتاً غیراخلاقی تلقی کرده و با هدف حفظ استانداردهای اخلاقی اجتماعی، به دنبال ریشه‌کن کردن یا تنظیم شدید آن است. دوم، رویکردی که با محوریت حقوق بشری، بر حفظ استقلال، ایمنی و رفاه فعالان این حوزه تأکید دارد. در رویکرد دوم یکی از ابعاد سیاست جنایی که در سیاست تقنینی نمود پیدا کرده، ناظر بر وظایف قانون‌گذاران در تدوین و تصویب قوانینی است که به نحو احسن بتواند از یک طرف توان پیشگیری از جرم را به عنوان ذاتی‌ترین عملکرد قوانین کیفی داشته باشد و از طرف دیگر حامی و پشتیبان افرادی باشد که ممکن است قربانی جرم شوند (احسان‌پور و قدمی عزیزآباد، ۱۴۰۳: ۶). در عمل، سیاست‌گذاری در این حوزه کمتر مبتنی بر شواهد تجربی و ملاحظات عملی بوده و بیشتر متأثر از

باورهای ایدئولوژیک و مواضع اخلاقی است. این سیاست‌ها مصداق بارز و بازتاب «سیاست‌گذاری اخلاقی» محسوب می‌شوند (Wagner et al., 2020: 7). ویژگی‌های شاخص این سیاست شامل: تمرکز بر اهداف کلان عمومی، مقاومت در برابر واقعیت‌های عینی، استفاده از گفتمان احساسی، تأکید بر نمادگرایی اقدامات (به جای جزئیات اجرایی) و آسیب‌پذیری در برابر تغییرات ناگهانی است (Wagner et al., 2020: 7). اگرچه تمامی فرآیندهای سیاست‌گذاری را می‌توان به مثابه عرصه‌ای برای تقابل ارزش‌های اساسی اجتماعی در نظر گرفت، اما در حوزه روسپیگری این تقابل با شدت بیشتری ظهور می‌یابد. نکته حائز اهمیت آنکه، این اختلاف‌نظرها لزوماً با تقسیم‌بندی‌های متعارف سیاسی (چپ - راست یا لیبرال - محافظه‌کار) همخوانی ندارد.

در طول زمان، دو انگاره کاملاً متضاد درباره فعالیت جنسی تجاری شکل گرفته است: انگاره نخست، روسپیگری را پدیده‌ای ذاتاً منفی و آسیب‌زا تلقی می‌کند که می‌بایست حذف یا محدود گردد. در مقابل، انگاره دوم آن را پدیده‌ای چندبعدی با وجوه مثبت و منفی می‌داند که مدیریت آن مستلزم ادغام در چارچوب اجتماعی است. اگرچه گفتمان مربوط به «کار جنسی» از مرزهای فمینیسم فراتر رفته است، اما تأثیر ایدئولوژی‌های فمینیستی در شکل‌دهی به این انگاره‌ها انکارناپذیر است (Östergren, 2017: 569). فمینیست‌های رادیکال با تفسیری ساختارگرایانه، روسپیگری را نماد بارز ستم مردسالارانه دانسته و خواستار لغو آن هستند. این گروه با به‌کارگیری اصطلاحاتی نظیر «بردگی جنسی» و «برده‌داری مدرن»، روسپیگری را مصداق خشونت سیستماتیک علیه زنان (چه به صورت عینی و چه نمادین) قلمداد می‌کنند. گفتمان آنان بر مفاهیمی مانند «فقدان عاملیت»، «بزه‌دیدگی» و «تجربه سوءاستفاده جنسی در کودکی» تأکید داشته، رضایت در این حوزه را مفهومی واهی می‌دانند. از منظر این گروه، تقاضای مردانه عامل اصلی قاچاق انسان و بهره‌کشی جنسی محسوب می‌شود.

در مقابل، فمینیست‌های لیبرال با اتخاذ رویکردی عاملیت‌محور، از قانونی‌سازی یا جرم‌زدایی فعالیت‌های جنسی تجاری حمایت می‌کنند. این گروه با به‌کارگیری اصطلاح «کارگر جنسی» (که نخستین بار توسط کارول لی در دهه ۱۹۸۰ ابداع شد)، بر ماهیت شغلی این فعالیت تأکید داشته و راهبرد کاهش آسیب را پیشنهاد می‌دهند. اگرچه این گروه به وجود استعمار و نابرابری در صنعت سکس اذعان دارند، اما بر ضرورت به رسمیت شناختن حقوق و رفاه فعالان این حوزه پای می‌فشارند. مدافعان قانونی‌سازی یا جرم‌زدایی از فعالیت‌های جنسی (مانند دولت ایالت ویکتوریای استرالیا) ادعا می‌کنند که این رویکردها موجب بهبود ایمنی و حقوق بشر کارگران جنسی می‌شوند. وزارت دادگستری و امنیت جامعه ویکتوریا در سندی با عنوان «بحث: جرم‌زدایی از کار جنسی» استدلال

می‌کند که حذف مجازات‌های کیفی باعث کاهش انگ اجتماعی و افزایش سلامت این افراد خواهد شد (Platt et al, 2018: 187). این تقابل گفتمانی، پیچیدگی مواضع فمینیستی دربارهٔ روسپیگری را به خوبی نمایان می‌سازد. با این حال، گفتمان پیرامون روسپیگری محدود به حوزهٔ فمینیسم نبوده و بازتابی از دو پارادایم گسترده‌تر اجتماعی است. این چارچوب‌های مفهومی متضاد، به شکل‌گیری سیاست‌های کاملاً متفاوت در سطوح ملی و بین‌المللی انجامیده است. از سویی دیگر، غفلت از به‌کیفرسانی افراد دخیل در جرایم جنسی و رویکرد بزه‌کارمحور در مجازات جرایم جنسی در مواردی باعث خروج از عدالت و انصاف می‌گردد چراکه در وقوع جرایم جنسی شاهد حضور عوامل متعددی هستیم و در عمل از تسهیل‌کنندگان این جرایم تا خود بزه‌دیده می‌تواند در آن نقش داشته باشد. بدین نحو، فردی که در انظار عموم و کنار خیابان دیگران را به ایجاد روابط جنسی فرامی‌خواند در ارتکاب جرم توسط دیگری نقش ایفا می‌کند اگرچه خود نیز مرتکب جرم می‌گردد. بدین نحو، برخی از بزه‌دیدگان تجاوز جنسی را در سنجش با بزه‌دیدگان دیگر بیشتر می‌توان مقصر دانست. یکی از عامل‌هایی که در این باره مؤثرند، مشخص شدن رفتارهای جنسی قبلی بزه‌دیده از قبیل هرگونه تجربیات صورت گرفته پیش از آزار جنسی است، لذا بزه‌دیدگانی را که پوشش‌ها یا رفتارهای اغواکننده یا تحریک‌آمیز داشتند بیشتر می‌توان در موارد آزار جنسی سرزنش کرد. استعمال مواد مخدر یا الکل از سوی بزه‌دیدگان پیش از آزار جنسی نیز میزان مسئولیت بزه‌دیده را افزایش می‌دهد (معتمدی مهر، ۱۳۸۰: ۲۷۶).

جرایم جنسی از جمله جرایمی هستند که قدمتی به اندازهٔ عمر بشریت دارند. این جرایم در ادوار مختلف تاریخ وجود داشته و ارتکاب آن جامعه را به واکنش می‌داشته است. واکنش‌هایی که در مورد جرایم جنسی اعمال می‌شود همواره در قالب کیفر بوده ولیکن به اقتضای شرایط خاص از شدت و ضعف متفاوتی برخوردار است. در این بین، قوانین کشورهای مختلف برحسب وجود حاکمیت، سیاست، دین، مذهب و مسائل فرهنگی حاکم بر آن، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهد. از همین نقطه نظر، در تاریخ زندگی بشر، روابط جنسی گاه به صورت قانونی و مشروع صورت گرفته و عرف و عادت برای آن احترام قائل بوده و آن را امری عادی و حتی مقدس می‌دانسته است. اما این رابطه، گاهی به صورت غیرقانونی و نامشروع صورت گرفته که دولت‌ها برای حرمت نسل بشری و حفظ روابط خانوادگی، اقدام به مجازات آن نموده‌اند. با دقت در قوانین کیفی کشورهای مختلف و بررسی نظریات موجود در زمینهٔ برخورد با جرایم جنسی، به نظر می‌رسد سه نظریهٔ مهم وجود دارد که بر حسب اقتضای آن به رویکردهای موجود در زمینهٔ مبارزه با جرایم جنسی تبدیل شده است. دستهٔ اول رویکرد پلیدانگاری است که غریزه جنسی را جزء از شر و رابطهٔ جنسی را جزئی از چیزی کثیف و ناپاک می‌داند. این رویکرد به‌وسیلهٔ مسیحیت منحرف از شریعت عیسی (ع) و برخی از

طریق‌های رایج در رم، یونان و ایران قدیم ترویج یافته است. دسته دوم، رویکرد آزادانگاری غریزه جنسی می‌باشد که طرفدار نظریه اخلاق جنسی نوین غرب است. این رویکرد مرز و محدودیتی برای روابط جنسی جز در موارد اخلاق به آزادی دیگران نمی‌شناسد و از آزادی و اقتناع غریزه جنسی حمایت می‌کند. سومین مورد، رویکرد فایده‌گرایانه می‌باشد که با پاسخگویی به نیازهای جنسی درصدد آن است که برای برآوردن و تعدیل نیازهای جنسی مقرراتی را وضع کند. چنین رویکردی در قوانین اسلام نیز موجود می‌باشد (محمدی جورکویه، ۱۳۸۸: ۸۸). در این بین رویکردهای میانه‌ای نیز وجود دارد که با ترکیب هنجارهای پیشین ایجاد شده‌اند که در نوع خود واجد خصوصیات متمایزی نبوده و صرفاً اقدام به ترکیب هنجارهای موجود نموده است. با این وجود محور مواجهه اسلام با منکر (جرم و گناه) سیاست فرهنگی و اقتصادی و موارد غیرکیفری می‌باشد (فرجی، ۱۴۰۳: ۵). از همین منظر است که تأکید بر اهمیت نکاح و سهولت در ازدواج در دین مبین اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است. آنچه به عنوان رضایت، شالوده اساسی جرایم جنسی را در کشورهای اروپایی تشکیل می‌دهد و وجود و عدم آن مرز تشکیل‌دهنده جرایم جنسی است، در قوانین ایران که برخاسته از شرع اسلام است واجد اثر نیست. در قوانین کیفری ایران، آنگونه نیست که وجود رضایت بر عمل جنسی بین طرفین، برطرف‌کننده عنوان جرایم جنسی گردد چرا که چنین توافقی مخالف قانون و شرع محسوب می‌گردد. آنچه مؤید اصل بی‌تأثیری رضایت مجنی‌علیه در ماهیت جرم در حقوق کیفری ایران می‌باشد، در تمام جرایم منافی عفت و اخلاق نیز حکم‌فرما است چرا که در جرایمی نظیر زنا یا لواط، رضایت طرفین از آنان رفع تقصیر نمی‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۱۰۷). با این وجود، عدم رضایت بزه‌دیده جرایم جنسی در حقوق ایران از عوامل مشدده بوده و در احراز حالت به عنف بودن عمل ارتكابی واجد اثر است.

حوزه دخالت حقوق کیفری در تنظیم اخلاق و عفت عمومی در حقوق ایران بسیار گسترده است. در حالی که در نظام‌های حقوقی عرفی، قلمرو اخلاقی جامعه تا زمانی که به حقوق دیگران آسیبی وارد نشود، از مداخله دولت مصون می‌ماند، در حقوق عرفی، حوزه اخلاق لزوماً عرصه مداخلات حقوقی نیست. اما در ایران، با توجه به هنجارهای اسلامی، حتی روابط جنسی توأم با رضایت طرفین نیز جرم‌انگاری شده است. این مداخله کیفری تنها به اقدامات حکومت محدود نمانده و حتی به شهروندان عادی نیز اجازه می‌دهد در چنین مواردی دخالت کنند که ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی از مصادیق آن به شمار می‌رود (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

با این وجود، اجماع جهانی در مجازات برخی از گونه‌های جرایم جنسی که غالباً به صورت عنف و اکراه صورت می‌گیرد، قابل کتمان نیست. در چند دهه گذشته، جامعه بین‌المللی گام‌های ارزنده‌ای برای پایان دادن به معافیت از مجازات جنایات جنسی و جنایات مبتنی بر جنسیت

برداشته است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اولین سند بین‌المللی است که به صراحت انواع مختلف جرایم جنسی شامل تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحش‌های اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی را ممنوع و واجد خصیصه مجرمانه دانسته است. کنوانسیون ناظر بر حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به عنوان تنها کنوانسیونی که به حمایت خاص از حقوق زنان پرداخته است. در ماده ۶، دولت‌های متعاقد را به اتخاذ کلیه اقدامات مناسب از جمله مقررات قانونی برای جلوگیری از قاچاق زنان و بهره‌برداری از فحش‌های زنان تحت کلیه اشکال ملزم کرده است.

چارچوب حقوقی بین‌المللی و مواضع سازمان‌های بین‌المللی نشان‌دهنده تنوع دیدگاه‌ها در مورد مسئله فحشا است. سازمان‌های بین‌المللی اگرچه به کشورهای عضو اختیار می‌دهند تا رویکردهای خود را در مورد فحشا اتخاذ کنند، اما هم‌زمان دستورالعمل‌ها و توصیه‌هایی را برای تأثیرگذاری بر این سیاست‌های ملی ارائه می‌دهند. این توصیه‌ها عمدتاً بر محور حقوق بشر افراد درگیر در فحشا و پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان متمرکز هستند. در این زمینه، شاهد مواضع متنوع و متضاد نهادهای بین‌المللی هستیم (Bąkowski & Prpić, 2024: 2). چراکه از یک سو، تعدادی از نهادهای سازمان ملل متحد مانند برنامه مشترک سازمان ملل در زمینه ایدز و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل بر نقض حقوق بشر کارگران جنسی تأکید کرده و از جرم‌زدایی کامل کار جنسی بزرگسالان با رضایت طرفین، از جمله خرید و فروش سکس و فعالیت‌های شخص ثالث حمایت کرده‌اند. این موضع در فوریه ۲۰۲۴ توسط دنیا میاتوویچ، کمیسر حقوق بشر شورای اروپا نیز تأیید شد که از «رویکرد مبتنی بر حقوق بشر به کار جنسی» حمایت کرد و تأکید نمود که کار جنسی بزرگسالان با رضایت طرفین نباید جرم‌انگاری شود و با خشونت علیه زنان یا قاچاق انسان اشتباه گرفته شود (Commissioner for Human Rights, 2024). از سوی دیگر، این مواضع با دیدگاه‌های برخی دیگر از نهادهای بین‌المللی در تضاد است. به عنوان مثال، مجمع پارلمانی شورای اروپا در سال ۲۰۱۴ قطعنامه‌ای را تصویب کرد که به کشورهای عضو توصیه می‌کرد جرم‌انگاری خرید خدمات جنسی را بر اساس مدل سوئدی، به عنوان مؤثرترین ابزار برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان در نظر بگیرند. همچنین در اکتبر ۲۰۲۳، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان و دختران، قانون فرانسه مبنی بر جرم‌انگاری خریداران خدمات جنسی را دارای «مبنای قانونی قوی در قانون بین‌المللی حقوق بشر» ارزیابی کرد (Al-Salem, 2023: 26). در سطح کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز، اگرچه هیچ سند بین‌المللی به طور خاص فحشا را تنظیم نمی‌کند یا هیچ رژیم نظارتی خاصی را تأیید نمی‌کند، اما چندین کنوانسیون به مسائل مرتبط با فحشا پرداخته‌اند. کنوانسیون

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۹ یکی از مهم‌ترین این اسناد است که دخالت شخص ثالث را هدف قرار داده و فعالیت روسپی‌خانه‌ها را غیرقانونی اعلام می‌کند. مقدمه این کنوانسیون بیان می‌کند که فحشا و شرارت همراه آن، یعنی قاچاق انسان به منظور فحشا، با کرامت و ارزش انسان ناسازگار است و رفاه فرد، خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازد (Fox, 2021: 21). کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان^۱ نیز با رویکردی مبتنی بر حقوق بشر، کشورهای عضو را ملزم به اتخاذ تمام اقدامات مناسب برای سرکوب استثمار فحشا از زنان می‌کند، هرچند موضع مشخصی مبنی بر لغو کامل فحشا اتخاذ نمی‌کند. در زمینه قاچاق انسان، پروتکل پالمو به عنوان یک بخش محوری از قوانین بین‌المللی عمل می‌کند که به عنوان الگویی برای قوانین اتحادیه اروپا در مورد قاچاق انسان نیز مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه تعریف قاچاق انسان در این پروتکل شامل «بهره‌برداری از فحشای دیگران» می‌شود، اما متن به طور صریح به فحشا اشاره نمی‌کند. این تنوع در مواضع و اسناد بین‌المللی نشان‌دهنده پیچیدگی موضوع و اختلاف نظرهای موجود در سطح جهانی درباره بهترین رویکرد برای مواجهه با پدیده فحشا است.

در سطح نهادهای تخصصی، سازمان بین‌المللی کار در کنوانسیون‌های خود، به‌ویژه کنوانسیون شماره ۱۸۲ در مورد بدترین اشکال کار کودکان (ماده ۳)، بهره‌کشی جنسی تجاری از کودکان را به عنوان یکی از این اشکال شناسایی و دولت‌های عضو را متعهد به حذف فوری آن می‌کند. از سوی دیگر، سازمان جهانی بهداشت با نگاهی مبتنی بر سلامت عمومی، روسپیگری را به عنوان یک مسئله اجتماعی و بهداشتی مورد توجه قرار داده و بر لزوم کاهش آسیب و ارائه خدمات بهداشتی به افراد درگیر، بدون نادیده گرفتن ابعاد حقوق بشری و بهره‌کشی‌های احتمالی، تأکید می‌ورزد. این نهادها در کنار یکدیگر چارچوبی بین‌المللی را شکل می‌دهند که اگرچه در جزئیات رویکردها متفاوت است، اما عمدتاً بر مقابله با بهره‌کشی، قاچاق و حمایت از قربانیان متمرکز شده است.

۲. روسپیگری در اتحادیه اروپا؛ تحلیل رویکرد سیاست کیفری تقنینی

در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، کشورهای عضو، از صلاحیت انحصاری برای تنظیم مقررات مربوط به فحشا برخوردارند. این امر، همراه با ماهیت بحث‌برانگیز موضوع، دلیل اصلی عدم وجود سیاست واحد اروپایی در این حوزه محسوب می‌شود، چرا که بر حسب آن، رویکردهای مختلفی تشکیل شده‌اند (Wood, 2018: 69). با این حال، نهادهای اتحادیه اروپا و بازیگران مختلف آن، پیوندهایی میان فحشا و حوزه‌های دارای صلاحیت اتحادیه از جمله برابری جنسیتی، مبارزه با

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women:1979

خشونت علیه زنان (شامل استثمار جنسی)، قاچاق انسان شناسایی کرده‌اند (Bakowski & Prpić, 2024: 2). از همین نقطه نظر، برابری جنسیتی به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین اتحادیه اروپا در مواد ۲ و ۳ پیمان اتحادیه اروپا^۱ و ماده ۸ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا^۲ وارد شده است. استراتژی برابری جنسیتی ۲۰۲۰-۲۰۲۵ اتحادیه اروپا که شامل تعهد به پیشگیری و مبارزه با خشونت مبتنی بر جنسیت می‌شود، چارچوب سیاستی این حوزه را تعیین می‌کند (Bakowski & Prpić, 2024: 5). برای نمونه، در سطح تقنینی، دستورالعمل ۲۰۲۴ مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، حداقل استانداردهای حقوقی را برای جرایمی مانند استثمار جنسی و جرایم سایبری تعیین کرده است و در زمینه قاچاق انسان نیز، اتحادیه اروپا از صلاحیت قانون‌گذاری برخوردار است. این حوزه که به صراحت در ماده ۵ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا ممنوع شده، در ماده ۸۳ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا به عنوان جرمی جدی با ابعاد فرامرزی شناخته می‌شود که مستلزم تعیین حداقل استانداردهای کیفی است. دستورالعمل مبارزه با قاچاق به عنوان سند اصلی اتحادیه در این زمینه، اگرچه مستقیماً به فحشا نمی‌پردازد، اما کشورهای عضو را ملزم به رسیدگی به تقاضای مؤثر در قاچاق انسان می‌کند که می‌تواند بر بازارهای روسپیگری تأثیر بگذارد. بازنگری ۲۰۲۴ این دستورالعمل، استفاده از خدمات بزه‌دیدگان قاچاق را جرم‌انگاری کرده است. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های اخیر در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نشان می‌دهد که رویکرد غالب، مبتنی بر شناسایی و کمک به بزه‌دیدگان است تا مجازات آنان. این نگرش در قالب مدل‌های متفاوتی تجلی یافته که هر یک با توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی و اجتماعی هر کشور طراحی شده‌اند. نکته حائز اهمیت در این سیاست‌گذاری‌ها، تفکیک میان افراد بزرگسال و کودکان است که منجر به شکل‌گیری نظام‌های دوگانه حمایتی - سرکوبگرانه شده است. در مورد بزرگسالان، معمولاً شاهد رویکردهای تنظیم‌گرایانه هستیم، در حالی که در مورد کودکان و نوجوانان، سیاست ممنوعیت مطلق و حمایت همه‌جانبه اعمال می‌گردد (Bakowski & Prpić, 2024: 12). بر همین اساس، اگرچه اختلاف نظر در مورد مقررات کارگری جنسی در اروپا شدت گرفته ولیکن در موارد چندی، تدابیر موجود دارای تشابه است. با این وجود، ادبیات حقوقی رویکردهای موجود در زمینه مواجهه با کارگری جنسی، در چهار مدل کلی قابل بررسی است. با توجه بر غلبه این چهار رویکرد در گفتمان‌های حقوقی اتحادیه اروپا، به بررسی آن می‌پردازیم.

1. Treaty on European Union:1992
2. TFEU (Treaty on the Functioning of the European Union)

۱-۲. مدل سوئدی: جرم‌انگاری تقاضای خدمات جنسی

در کشور سوئد نیز مانند بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر، یک سیستم بازرسی پزشکی اجباری در قرن نوزدهم به وجود آمد که به دلیل مشکلاتی همچون احتمال انتقال بیماری‌های مقاربتی، مداخله در فعالیت‌های جنسی را ضروری قلمداد می‌کرد. بدین سان، اعمال ممنوعیت و محدودیت در این زمینه را موجه قلمداد کرد. با این وجود، با استدلال‌هایی همچون مسئولیت شخصی فرد ناقل در برابر انتقال بیماری، ممنوعیت همگانی از دوش همگان برداشته شد. در نتیجه از آن تاریخ روسپی به‌عنوان یک منحرف اجتماعی تعریف می‌شود و این تعریف تا سال ۱۹۶۴ که فروش خدمات جنسی در خیابان‌ها آغاز شد، بر جای ماند و پس از آن از عنوان روسپیگری نیز جرم‌زدایی شد. با این وجود، چنین جرم‌زدایی دور از انظار منتقدین نماند. در یک گزارش منتشرشده در سال ۱۹۷۶ در مورد فرهنگ کلپ شبانه از دولت سوئد در مورد رویکرد ملایم او به انجام فعالیت روسپیگری به‌عنوان چشم‌پوشی از جنایت انتقاد شد (Outshoorn, 2004: 11). چنین مواردی، باعث آن گردید که دولت سوئد جهت بازنگری در قوانین روسپیگری، اقدام به تشکیل کمیسیون بررسی قوانین روسپیگری در تاریخ ۱۹۷۷ کند. چنین بحث‌هایی در نهایت منتهی بر انتشار نظریاتی بود که در آن نشانه‌ استعمار جنسی از زنان در قالب روسپیگری دیده می‌شود و بر همین اساس، این ایده که انجام فعالیت روسپیگری زنان، یک استعمار غیرقابل قبول بود، به‌طور گسترده‌ای منتشر شد. در رویکرد موجود که به عنوان «رویکرد سوئدی» مشهور است، دلیل جرم‌انگاری خرید خدمات جنسی آن است که زنان در رابطه با خریداران در موضع ضعیف‌تری قرار دارند و لذا اینگونه فرض می‌شود، تا زمانی که زنان و کودکان به‌وسیله روسپیگری آن‌ها خرید، فروش و استعمار جنسی می‌شوند، برابری جنسیتی دست نیافتنی خواهد بود. رویکرد «مدل سوئدی» به روسپیگری، که در دهه‌های اخیر در اتحادیه اروپا و به‌ویژه در کشورهای نوردیک گسترش یافته، بر جرم‌انگاری مشتریان (عمدتاً مردان) تمرکز دارد، در حالی که فروشندگان خدمات جنسی (اغلب زنان) را به‌عنوان بزه‌دیده در نظر می‌گیرد و از طریق حمایت‌های اجتماعی به دنبال خروج آن‌ها از این چرخه است. این مدل که نخستین بار توسط سوئد پایه‌گذاری شد و بعدها توسط نروژ و ایسلند نیز اتخاذ گردید، بر این باور استوار است که خرید خدمات جنسی باید غیرقانونی باشد تا از بهره‌کشی جنسی جلوگیری و برابری جنسیتی تقویت شود. اصلاحات قانونی سوئد با هدف تغییر نگرش عمومی نسبت به سکس تجاری و معرفی آن به‌عنوان رفتاری نامقبول، از طریق ابزارهای حقوقی صورت گرفت. این کشور همچنین تلاش کرده است تا این رویکرد را به سایر کشورها «صادر» کند و الگویی برای مقابله با پدیده روسپیگری ارائه دهد (Levy, 2014: 146). سوئد در سال ۱۹۹۹ با تصویب «قانون ممنوعیت خرید خدمات جنسی»، خرید رابطه جنسی را جرم‌انگاری کرد

(Government of Sweden, 1999: 12). بر اساس این قانون که در سال ۲۰۰۵ به فصل ۶ قانون جزای سوئد (جرایم جنسی) الحاق شد، خرید خدمات جنسی مستوجب مجازات حبس تا شش ماه یا پرداخت جریمه نقدی شد. این قانون در سال ۲۰۱۱ اصلاح گردید و حداکثر مجازات حبس به یک سال افزایش یافت. سپس در سال ۲۰۲۲، با حذف گزینه جریمه نقدی، قانون در مورد مجازات اصلاحاتی نمود و مقرر شد که این جرم همواره به حبس تا یک سال منجر شود (Bakowski & Prpić, 2024: 28). این فصل قانونی فعالیت‌های واسطه‌ای مانند دلالی، فراهم‌آوری امکانات، کسب درآمد از این راه و اداره روسپی‌خانه را نیز جرم محسوب می‌کند.

این قانون که با هدف مقابله با خشونت مردان علیه زنان طراحی شده، مبارزه با فحشا و قاچاق انسان را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از این راهبرد در نظر گرفته است (Bakowski & Prpić, 2024: 2). اگرچه فصل ۶ قانون جزا صراحتاً به قاچاق انسان اشاره نکرده، اما کاهش تقاضا برای خدمات جنسی به عنوان اقدامی ضدقاچاق تلقی می‌شود. آژانس برابری سوئد تأکید دارد که فحشا و قاچاق انسان «پدیده‌هایی به وضوح درهم‌تنیده» هستند که نمی‌توان آن‌ها را کاملاً جدا از هم در نظر گرفت. در همین راستا، دولت سوئد در سال ۲۰۱۸ طرح اقدام ملی ویژه‌ای برای مبارزه با فحشا و قاچاق انسان تصویب کرد و این دو موضوع را در استراتژی ملی پیشگیری از خشونت مردان علیه زنان (۲۰۲۲-۲۰۲۶)^۱ نیز گنجانده است.

۲-۲. مدل انگلیسی: نظارت و کنترل فعالیت‌های جنسی تجاری

نظام حقوقی انگلستان و ولز با اتخاذ رویکردی عملگرایانه، سیاست‌های خود در قبال فعالیت‌های جنسی تجاری را بر مبنای ملاحظات اجتماعی و نگرانی‌های مربوط به استثمار جنسی شکل داده است. تحول تقنینی در این حوزه از دهه ۱۹۵۰ با تصویب قانون جرایم خیابانی^۲ آغاز شد که نشان‌دهنده تغییر پارادایم از رویکرد کیفری محض به سمت مدیریت نظارتی فعالیت‌ها بود. این چارچوب حقوقی با تمرکز بر مدیریت فضای عمومی، جرم‌انگاری رفتارهای مزاحم در اماکن عمومی را در ماده ۱ قانون جرایم جنسی ۱۹۸۵ پیش‌بینی کرده و «مزاحمت جنسی» را به عنوان درخواست مکرر و آزاردهنده خدمات جنسی تعریف نموده است. نظام مذکور مجازات‌های متناسبی از جریمه نقدی تا حبس کوتاه مدت برای اینگونه رفتارها در نظر گرفته است (Edwards, 1993: 92-98). سیاست کاهش آسیب در انگلستان، از طریق سازوکارهای نظارتی ویژه‌ای پیگیری می‌شود که شامل

1. Government of Sweden, National Action Plan Against Prostitution and Human Trafficking (2018-2022)
2. Street Offences Act 1959

ایجاد مناطق تحمل^۱ در برخی شهرها، به‌کارگیری دستورها یا قرارهای تأمینی رفتارهای جامعه‌سستیز^۲ به عنوان جایگزین مجازات و همکاری نهادهای پلیس با سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای سیاست‌ها می‌گردد. این نظام حقوقی با تمایزگذاری دقیق میان فعالیت داوطلبانه و اجباری، توجه ویژه‌ای به موارد قاچاق جنسی و استثمار داشته و بر اساس قانون حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق ۲۰۱۵، سازوکارهایی برای افراد در معرض خطر ایجاد نموده است (Edwards, 1993: 92). رویکرد مذکور که تلفیقی از عناصر نظارتی و حمایتی است، نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار بریتانیایی برای یافتن راه‌حلی متعادل بین حفظ نظم عمومی و توجه به حقوق افراد درگیر در این چرخه می‌باشد.

تجربه انگلستان حاکی از آن است که اگرچه این مدل توانسته مزاحمت‌های عمومی را کاهش دهد، اما نتوانسته به‌طور کامل با ریشه‌های استثمار جنسی مقابله کند. بند یک ماده ۲ قانون جرایم جنسی مصوب ۱۹۸۵ در این مورد بیان کرده: «اگر مردی در یک خیابان یا مکان عمومی مدام از زنی (یا زنان مختلف) به منظور فحشا طلبی کند، مرتکب جرم می‌شود». مقنن در قانون مذکور، مشخصاً درخواست‌هایی را مدنظر قرار داده که در آن، فردی از یک زن درخواست خدمات روسپی کند. در این رابطه، بند یک ماده ۴ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «اشارات مندرج در این قانون به درخواست مرد از زن به منظور فحشا، اشاره به درخواست وی از زن برای به دست آوردن خدمات روسپی است». با نگرستن در اوضاع و احوال جرم مذکور که بایستی در خیابان یا موارد نظیر آن ارتکاب بیابد، مشخص می‌گردد که مقنن، اعمال ارتكابی در محافلی خاص را به قصد حمایت از حقوق ساکنین محل به تصویب رسانده است. در تعریف محدوده مکانی که مورد ممنوعیت قرار گرفته است مقنن در بند چهار از ماده ۴ مقرر داشته: «از نظر این قانون «خیابان» شامل هر پل، جاده، خط، پیاده‌رو، مترو، میدان، دادگاه، کوچه یا گذرگاه اعم از معبر یا غیر است که فعلاً برای عموم آزاد است و درها و ورودی‌های اماکنی که در کنار خیابان قرار دارند (همانطور که قبلاً تعریف شد) و هر زمینی که مجاور و باز به خیابان باشد، به عنوان بخشی از خیابان تلقی می‌شود». با تمام این اوصاف، این امر در نوع خود، خالی از اشکال نبود، چرا که گروهی از پلیس‌ها برای جلوگیری از درگیری بین پلیس و مشتریان روسپی، به واسطه قوانینی نانوشته اقدام به تجمع روسپی‌ها در مناطق خاصی می‌کردند که در نوع خود حاکی از جابه‌جایی جرم است. از سایر تدابیر موجود در قوانین انگلیس، تدبیری موسوم به تأمین امنیت در برابر دستور یا قرار تأمینی رفتار جامعه‌سستیز است که توسط قانون جنایت و اختلال

1. Tolerance Zones
2. Antisocial Behaviour Orders

۱۹۸۹ در انگلیس رواج پیدا کرده است. این مقرر به‌عنوان یک وسیله برای محافظت از جوامع در برابر خطرات ناشی از آزار و اذیت، ناراحتی ناشی از درخواست‌کنندگان خدمات جنسی و کسانی که از انجام این کار جلوگیری می‌کنند، بسیار مهم است. به نظر می‌رسد پلیس، مقابله به واسطه دستور یا قرار تأمینی رفتار جامعه‌ستیز را به پیگرد قانونی تحت قوانین درخواست خدمات جنسی ترجیح می‌دهد، زیرا علاوه بر آنکه استاندارد ادله اثباتی در آن پایین‌تر از یک فرآیند قضایی است، نقض آن به جای جریمه می‌تواند منتهی به حبس گردد که مجازاتی شدید محسوب می‌گردد (Sanders, 2006: 25).

به طور کلی سیاست ملی در انگلیس، به سمت این دیدگاه گرایش پیدا کرده است که انجام فعالیت روسپیگری خیابانی با کاربری‌های مسکونی و سیاست هماهنگ روسپیگری ناسازگار است که در این مورد اعتقاد بر این است که اگر ما به سادگی وجود فعالیت روسپیگری خیابانی را بپذیریم، باعث شکست جوامع خود می‌شویم و قوانین را با اراده خود متزلزل می‌کنیم (Home Office, 2006: 13). منتقدان نیز در پاسخ خود با این استدلال پاسخ داده‌اند که در تلاش برای ارائه «جوامع ایمن‌تر» با کاهش عرضه و تقاضای روسپیگری خیابانی، دولت در حال توسعه سیاستی است که در واقع «اقتدارگرایی اخلاقی را به وسیله جرم تلقی کردن و مسئولیت‌پذیری زنان درگیر در روسپیگری خیابانی تحکیم می‌بخشد، اما نادیده گرفتن مشکلات، منتهی به مسیرهای انجام فعالیت روسپیگری می‌شود (Phoenix, 2005: 76). با این وجود توجه بر نقص‌های موجود و اقدام در راستای برطرف کردن آن در رویه کشور انگلیس مشهود است.

۲-۳. مدل هلندی: ایجاد مراکز خدمات جنسی

انجام فعالیت روسپیگری تا آغاز دهه اخیر در کشور هلند به صورت قانونی ادامه داشت. بدین سان پلیس درگیری در فعالیت روسپیگری زنان را نادیده می‌گرفت و دادستان^۲ نیز تخلفات جنایی در مورد روسپیگری زنان را در راستای تأمین منافع عمومی به عبارتی تحمل^۳ می‌کرد (Brants, 1998: 623). در راستای چنین رویکردی، طبق قانون شهرداری‌ها ماده ۱۵۱ الف، در دهه ۱۹۹۰ تعداد نه شهر هلند آیین‌نامه‌هایی را تصویب کردند که انجام فعالیت‌های روسپیگری خیابانی در مناطق خاص را که توسط شهردار تعیین شده بود، مجاز نمود. در واقع هدف این نوع قانون‌گذاری‌ها از ایجاد خیابان‌ها و مکان‌های پیاده‌روی^۴، جرم‌انگاری درخواست انجام فعالیت روسپیگری در جاهای دیگر بود.

این اماکن که به اشتباه به‌عنوان مناطق تحمل نامیده می‌شوند همواره تحت نظارت پلیس واقع

1. Crime and Disorder Act 1998
2. Public prosecutor
3. gedogen
4. Toppelzones

می‌شدند و تعدادی «اتاق نشیمن» را نیز برای ارائه توصیه‌های بهداشت جنسی، حمایت و مشاوره برای متقاضیان خدمات جنسی فراهم می‌نمود. مناطق پیاده‌روی در هلند که به انجام فعالیت روسپیگری اختصاص داده شدند، در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک روش عمل‌گرایانه برای تنظیم فعالیت روسپیگری خیابانی مورد تحسین واقع شده است. با این وجود، چنین رویکردی دور از انتقادات نمانده چراکه از نظر عملی این‌گونه اثبات شده که مدیریت این نوع مناطق مشکل است لذا این طرح دارای مخالفانی نیز است که استدلال می‌کنند انجام فعالیت روسپیگری زنان در پیاده‌روها باعث ایجاد مزاحمت می‌گردد که عموماً تهدیدآمیز است و باعث انجام فعالیت مجرمانه توسط معتادان به مواد مخدر و دلالان و دزدی مکرر می‌شود (Wagenaar et al., 2013: 206). با پیش کشیده شدن احتمال استعمار جنسی زنان و کودکان، رویکردهای موجود در کشور هلند نیز به چالش کشیده شد، چرا که نظارت دولت در چنین مراکزی که اساساً بدون مجوز و صرفاً در خیابان‌های خاصی انجام می‌یافت غیرقابل کتمان بود. از سوی دیگر، دولت هیچ آمار و ارقامی از افراد و تابعیت آنان نداشت و چه بسا فقدان رضایت روسپی‌ها دستاویزی برای استعمار جنسی تلقی می‌شد. بر همین اساس، لایحه بسیار مهم قانونی تنظیم‌شده توسط وینی سورگدراجر^۱ در سال ۱۹۹۷ به دنبال لغو ممنوعیت فعالیت روسپی‌خانه‌ها برآمد که طبق این لایحه عملاً به این مکان‌ها اجازه داده می‌شد تا در چارچوب قانون تنظیم شده و فعالیت کنند. این قانون با این فرض به تصویب رسید که جواز تشکیل روسپی‌خانه‌ها، حمایت بیشتری را برای زنان آسیب‌پذیر فراهم می‌کند و می‌تواند یکی از راهکارهای مهم در اروپا برای مبارزه با قاچاقچیان جنسی زنان شناخته شود (Outshoorn, 2004: 78). با منسوخ شدن این ایده که زنان روسپی به صورت داوطلبانه اقدام به روسپیگری می‌کنند، نهایتاً بازگشت قانونی روسپی‌خانه‌ها به اولویت دولت تبدیل شد و ممنوعیت فعالیت روسپی‌خانه در تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۰۰ لغو گردید.

در رویکرد موجود، تأکید بر اخذ مجوز برای تشکیل و اداره روسپی‌خانه‌ها و حتی عضویت روسپی‌ها در چنین مراکزی است. در طی این بازنگری، دولت به شهرداری‌ها اجازه داد تا مجوز تأسیس روسپی‌خانه‌ها را مطابق با استانداردهای تعیین شده توسط بازرسی کارخانه‌ها و مالیات و گمرک صادر کنند. سیاست فعلی هلند مبتنی بر نظارت غیرمتمرکز است که در آن شهرداری‌ها طبق مواد ۱۴۹ و ۱۵۱ قانون شهرداری، اختیار تدوین مقررات محلی را دارند. الگوی استاندارد ارائه شده توسط انجمن شهرداری هلند^۲ موجب شده تا مقرراتی هماهنگ در سطح ملی درباره الزامات صدور مجوز، استانداردهای ایمنی و بهداشتی و محدودیت مناطق فعالیت به اجرا درآید. این نظام هرچند

1. Winnie Sorgdrager
2. Vereniging van Nederlandse Gemeenten

به ظاهر کارآمد، با چالش‌های جدی مواجه است. طرح اصلاحی «قانون تنظیم کار جنسی» که از ۲۰۰۹ تاکنون چندین بار بازنگری شده است (Dutch House of Representatives, 2021: 46) پیشنهاد ایجاد نظام صدور مجوز متمرکز و افزایش حداقل سن به ۲۱ سال را مطرح کرده، اما با مخالفت شورای دولتی در ۲۰۲۱ روبه‌رو شده است که روند اجرای قانون را با ابهاماتی روبه‌رو کرده است (Council of State of the Netherlands, 2021: 26). منتقدان استدلال می‌کنند که تشدید مقررات ممکن است به جای حل مشکل، موجب گسترش بازار غیرقانونی شود. این تنش میان حمایت از حقوق کارگران جنسی از یک سو و مبارزه با قاچاق انسان و استثمار از سوی دیگر، همچنان چالش اصلی سیاست‌گذاری در این حوزه محسوب می‌شود.

۲-۴. مدل ممنوعیت مطلق روسپیگری کودکان

به‌کارگیری کودکان و نوجوانان در اعمال جنسی، دارای قوانین متفاوت از بزرگسالان است. اگرچه در مورد بزرگسالان با تدابیری همچون جواز کارگری جنسی یا مدیریت و مداخله در کارگری جنسی در برخی از کشورها مواجه هستیم (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۵۴)، لیکن در مورد کودکان و نوجوانان، کارگری جنسی مورد ممنوعیت قرار گرفته و غالباً با تدابیری همچون ممنوعیت استثمار جنسی یا ممنوعیت فعالیت جنسی زیر سن قانونی، به مقابله با پدیده روسپیگری کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود (همان: ۱۶۰). استثمار و سوءاستفاده جنسی از کودکان، بدون تردید بدترین و نامیمون‌ترین شکل خشونت علیه کودکان محسوب می‌شود و آسیب‌های جسمی و روانی متعدد جبران‌ناپذیری را به کودکان بزه‌دیده، به ویژه بنیان‌های شخصیت آن‌ها، تحمیل می‌کند (صفاری، ۱۳۹۵: ۲۳۵). بدین‌سان، ضروری است که وضعیت روسپیگری کودکان و نوجوانان و قوانین مرتبط با آن در گفتاری جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

سازمان‌های بین‌المللی دولتی نیز در مقام تابعان فعال حقوق بین‌الملل، از سه دهه پیش سعی کرده‌اند به اغماض خود پایان دهند و از یک طرف با قاعده‌سازی و ایجاد هنجارهای بین‌المللی از طریق تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و از طرف دیگر، با اطلاع‌رسانی و برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی، دولت‌ها و جوامع مدنی را به مبارزه با استثمار و سوءاستفاده جنسی از کودکان تشویق کنند. این فرآیند با تصویب کنوانسیون حقوق کودک توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ (۲۹ آبان‌ماه ۱۳۶۸) آغاز شد و با برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی در خصوص مبارزه با استثمار جنسی تجاری کودکان در استکهلم سوئد در تاریخ ۲۷ الی ۳۱ اوت ۱۹۹۶ ادامه یافت (صفاری، ۱۳۹۵: ۲۳۵). چنین نشست‌هایی در ماهیت متفاوت از رویکردهای موجود در زمینه وضعیت کارگری جنسی و چگونگی جواز یا ممنوعیت آن برگزار شد چرا که محور بحث،

کودکان و نوجوانانی بودن که مورد استثمار جنسی قرار می‌گرفتند. در این کنفرانس بین‌المللی، شرکت‌کنندگان اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی به این نتیجه رسیدند که اغماض در تصویب قوانین ضداستثمار جنسی کودکان و نوجوانان مورد قبول نیست و با توجه به گسترش معضل بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی از کودکان، آن‌ها مجبور به تهیه ابزارهای ویژه جدید هستند. در همین راستا، در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۰، اولین پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد خرید و فروش کودکان، تن‌فروشی کودکان و پورنوگرافی کودکان به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این سند، اولین سند الزام‌آور بین‌المللی برای مبارزه با انواع خاصی از استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی از کودکان به حساب می‌آید و در حال حاضر بیش از ۱۷۳ کشور آن را تصویب کرده‌اند. در این پروتکل، دولت‌های عضو ملزم شدند که در قوانین جزایی خود، مواردی را در راستای اهداف پروتکل جرم‌انگاری کنند. بر حسب بند «ب» ماده دو این پروتکل، روسپیگری کودکان مورد تعریف و ممنوعیت واقع شده و مقرر شده که روسپیگری عبارت است از استفاده از کودک در فعالیت‌های جنسی برای دریافت پاداش یا هر نوع پرداخت دیگری.

در اتحادیه اروپایی نیز تصویب کنوانسیون لانزروت در نوع خود حاکی از نگرش جدید اتحادیه در مورد استثمار جنسی کودکان و نوجوانان است که در نوع خود نشان‌دهنده عدم کارکرد قوانین قبلی در این موضوع می‌باشد. این کنوانسیون با فرق‌گذاری مابین استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی از کودکان و نوجوانان، در شناسایی و معرفی مفهوم استثمار جنسی از کودکان و نوجوانان نقش اساسی را نسبت به سایر قوانین بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک ایفا کرده است چرا که کنوانسیون‌های مذکور صرفاً به تعریف روسپیگری کودکان و نوجوانان اکتفا نموده‌اند بدون آنکه مشخص باشد روسپیگری در شمار کدام یک از مصادیق استثمار یا سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد. بر همین اساس کنوانسیون لانزروته در مقرراتی جداگانه به تبیین مفهوم سوءاستفاده جنسی و استثمار جنسی از کودکان و نوجوانان پرداخته است. در این قانون، فعالیت جنسی با کودکان و نوجوانان به واسطه دو ضابطه ارتباط جنسی با کودک زیر سن رضایت جنسی یا ارتباط جنسی همراه با اغفال و تهدید و فریب، در شمار سوءاستفاده جنسی قرار گرفته و ماده ۱۸ کنوانسیون در تعریف سوءاستفاده جنسی از کودکان و نوجوانان مقرر می‌دارد: «هریک از دول عضو اقدامات قانونی یا دیگر اقدامات لازم را در جهت تسری حقوق کیفری خود به تمام موارد زیر اتخاذ خواهد کرد که ناشی از عمل عمدی است:

الف- ایجاد روابط جنسی با کودکی که بر اساس قوانین داخلی مربوط بدان هنوز به سن قانونی

لازم برای برقراری روابط جنسی نرسیده است؛

ب- ایجاد روابط جنسی با کودک با:

- توسل به زور، اجبار یا تهدید؛
- سوءاستفاده از اعتماد کودک، مقام خود، یا نفوذ بر کودک از جمله در چارچوب خانواده؛
- سوءاستفاده از وضعیت آسیب‌پذیر کودکان به‌ویژه معلولیت‌های جسمی یا روحی یا وضعیت وابستگی.»

کنوانسیون لانزورته همانگونه که در بازشناسی مفهوم سوءاستفادهٔ جنسی از کودکان و نوجوانان مشاهده می‌شود، سخنی از روسپیگری یا تن‌فروشی کودکان به میان نیاورده است؛ چرا که مصادیق پیش‌گفته را در شمار موارد استعمار جنسی کودکان و نوجوانان دانسته و در ذیل بندهای ماده ۱۹ بدان اشاره کرده و بیان نموده؛ ۱- هر طرف اقدامات قانونی یا سایر اقدامات لازم را برای اطمینان از جرم‌انگاری رفتار عمدی زیر اتخاذ خواهد کرد:

- الف) استخدام کودک برای فحشا یا وادار کردن کودک به شرکت در فحشا؛
- ب) اجبار کودک به فحشا یا سود بردن یا بهره‌کشی از کودک برای این کار؛
- ج) توسل به فحشا کودک.

۳. روسپیگری در حقوق ایران: تحلیل رویکرد سیاست کیفی تقنینی

نظام حقوقی ایران با اتکا به مبانی فقهی و شرعی، رویکردی خاص نسبت به جرایم جنسی و به ویژه پدیدهٔ روسپیگری اتخاذ کرده است. در این نظام حقوقی، کلیهٔ اشکال روابط جنسی خارج از چارچوب نکاح (چه دائم و چه موقت) به عنوان رفتاری مجرمانه تلقی می‌شود. این نگرش ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد که تنها راه مشروع ارضای غرایز جنسی را در قالب ازدواج می‌داند. با این وجود، پرسش اساسی این است که آیا حقوق کیفی ایران رویکرد خاص و مستقلی در مورد مجازات روسپیگری به عنوان پدیده‌ای مستقل از سایر جرایم جنسی اتخاذ کرده است؟ بررسی قوانین موجود نشان می‌دهد که نظام تقنینی ایران عمدتاً از دو مسیر به این پدیده پرداخته است: رویکرد مستقیم (حدی): از طریق اعمال مجازات‌های حدی مانند حد زنا برای مواردی که شرایط تحقق زنا محقق شود؛ رویکرد غیرمستقیم: از طریق تطبیق مصادیق روسپیگری با عناوین مجرمانه موجود مانند قوادی، تشویق به فساد یا سایر عناوین موجود. بدین گونه، در قوانین کیفی ایران، به دلیل فقدان عنوان مجرمانهٔ روسپیگری، شاهد آن هستیم که جهت به کیفر رساندن مرتکبان و نیز بی‌کیفر نماندن اعمالی که مخالف نظم عمومی است، مقامات قضایی دستاویز عناوین مجرمانهٔ مختلفی می‌شوند (اسدزاده، ۱۴۰۳: ۳۳). چنین رویکردی متفاوت از قوانین قبل انقلاب اسلامی می‌باشد. با بررسی محوریت مفاهیم «عنف»، «تهدید» و «حیله» در جرم‌شمردن رفتارهای جنسی در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، به نظر می‌رسد قانون‌گذار تنها مواردی را قابل مجازات دانسته بود که با اجبار،

اکراه یا فریب همراه باشد. این رویکرد نشان می‌دهد روسپیگری مبتنی بر رضایت طرفین خارج از شمول این قانون قرار می‌گیرد (میرفردی، ۱۳۹۶: ۲۵). چنین دیدگاهی مشابه قوانین برخی کشورهای اروپایی است که در آن‌ها دغدغه اصلی منع روابط نامشروع نبوده، بلکه پیشگیری از خشونت و سوءاستفاده جنسی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

۱-۳. روسپیگری از گذر جرایم جنسی و مجازات‌های آن

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در تدوین قانون مجازات اسلامی یا از موضوع روسپیگری غافل بوده، یا با تصور اینکه مجازات‌های حدی و نیز مقررات فصل هجدهم کتاب پنجم این قانون (مواد مربوط به جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی) به صورت جامع تمام مصادیق این پدیده را پوشش می‌دهد، از جرم‌انگاری مستقل آن خودداری کرده است (رحمدل، ۱۳۹۲: ۸۷). این برداشت در عمل منجر به ایجاد خلأ قانونی در مواجهه با پدیده روسپیگری شده است، چرا که نه تمامی مصادیق این رفتار تحت شمول مجازات‌های حدی قرار می‌گیرند و نه مقررات فصل مذکور به صورت دقیق و شفاف به این موضوع پرداخته‌اند.

در حقوق ایران، عرضه و تقاضای روابط جنسی خارج از چارچوب نکاح با ممنوعیت‌های قانونی مواجه است. اگرچه جرایم جنسی غیرقانونی عمدتاً تحت عنوان زنا (با مجازات‌های حدی) قابل تعقیب هستند، اما ماهیت جرم روسپیگری از زنا متمایز بوده و نیازمند بررسی مستقل است. در قوانین کیفری ایران، نشانی از عنوان روسپیگری به چشم نمی‌خورد. علاوه بر این، سایر عناوین مجرمانه موجود در بخش جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، رکن مادی روسپیگری که مشتمل بر تقاضای عمل جنسی در قبال پول می‌باشد را پوشش نداده است. چنین غفلت مقنن به نظر از آن روست که مقنن، مجازات‌های حدود و تعزیرات را برای مجازات عناوین موجود کافی دانسته است. بر همین اساس، چه بسا مقنن جهت مجازات فرد مشتری یا روسپی دستاویز عنوان مجرمانه زنا شود.^۱ اگرچه در عمل می‌توان مرتکبین روسپیگری را در حالت وقوع زنا برحسب مجازات عمل زنا به کیفر رساند، ولیکن چنین استعمالی از مجازات عمل روسپیگری خارج از عنوان روسپیگری، اتفاق می‌افتد و اگر عمل زنا اتفاق نیافتد، مجازات زنا قابل اعمال نیست. پرسش محوری در بررسی جرم روسپیگری این است که آیا صرف پیشنهاد یا ایجاب رفتار جنسی از سوی فرد برای تحقق جرم کافی محسوب می‌شود یا نیاز به تحقق توافق طرفین و حتی انجام عمل جنسی وجود دارد؟ این مسئله به تمایز میان «جرم مطلق» و «جرم مقید» در حقوق کیفری بازمی‌گردد. اگر نظام حقوقی صرفاً ایجاب

۱. ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی در مورد زنا مقرر کرده است: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد».

یا توافق را برای تکمیل عنصر مادی جرم کافی بداند، در این صورت روسپیگری به عنوان جرم مطلق تلقی می‌شود. در مقابل، اگر قانون‌گذار انجام عمل جنسی را شرط ضروری تحقق جرم بداند، باید روسپیگری را در زمره جرایم مقید طبقه‌بندی نمود. این تمایز دارای آثار حقوقی مهمی در زمینه عناصر تشکیل‌دهنده جرم، نحوه اثبات و میزان مجازات است (آشوری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۴).

تحلیل این مسئله نیازمند بررسی دقیق مبانی قانونی و رویه قضایی است، چرا که تعیین مرز دقیق بین این دو دیدگاه می‌تواند تأثیر مستقیمی بر نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با پدیده روسپیگری داشته باشد. از همین نقطه نظر، از آنجایی که روسپیگری تقاضای عمل جنسی است، اگر طرفین در خیابان یا اماکن به توافق برسند ولیکن اقدام به عمل جنسی نکنند، طبق تعاریف موجود، جرم روسپیگری اتفاق افتاده است؛ اگرچه هنوز زنا محقق نیست. در تقویت استدلال فوق بایستی عنوان نمود، در جرم‌انگاری عمل روسپیگری، ممنوعیت متوجه عمل جنسی نیست بلکه مقنن به دلایلی همچون نظم اجتماعی و در تعبیر درست بر حسب واکنش ناشی از هراس اجتماعی، به مبارزه با روسپیگری می‌پردازد. از نظر مطالعه تطبیقی، چنین رویکردی با توجه به مباحثی که در بالا بدان اشاره شد، در کشورهای اروپایی نظیر انگلیس و فرانسه به وضوح قابل رویت است چراکه در این کشورها هرچند روابط جنسی بدون عنف و اکراه آزاد است ولیکن روسپیگری نه به عنوان جرایم جنسی بلکه در دسته جرایم خیابانی و مزاحمت بانوان مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرد. برای نمونه، در کشور فرانسه، بر اساس قانون شماره ۲۰۱۶-۴۴۴ مصوب ۱۳ آوریل ۲۰۱۶ هرگونه درخواست، پذیرش یا کسب روابط جنسی از فردی که به فحشا اشتغال دارد، حتی به صورت موردی و در ازای دریافت دستمزد، وعده دستمزد، انجام کاری یا وعده هرگونه امتیاز دیگر، مشمول مجازات جریمه نقدی به مبلغ ۱۵۰۰ یورو (و تا ۳۷۵۰ یورو در صورت تکرار جرم) خواهد بود. در این نگاه روسپیگری جنبه طریقت ندارد، بلکه اصطلاحاً موضوعیت دارد. یعنی در جرم‌انگاری این پدیده، قانون‌گذار به این مهم توجه دارد که روسپیگری به خودی خود و صرف نظر از جرایم مترتب بر آن، جرم بوده و باید برای آن مجازات تعیین گردد (میرفردی، ۱۳۹۶: ۲۵). از همین نقطه نظر، از آنجایی که روسپیگری تقاضای عمل جنسی است، اگر طرفین در خیابان یا اماکن به توافق برسند ولیکن اقدام به عمل جنسی نکنند، طبق تعاریف موجود، جرم روسپیگری اتفاق افتاده است اگرچه هنوز عمل جنسی واقع نشده است.

۲-۳. روسپیگری از گذر جرم قوادی

در نظام حقوقی ایران، به رغم فقدان عنوان صریح «روسپیگری» در قوانین کیفری، رویه قضایی و دکتترین حقوقی با استفاده از سازوکار تفسیر موسع و تطبیق مصادیق، تلاش نموده‌اند این خلأ قانونی

را از طریق عناوین کیفری مشابه پوشش دهند. یکی از مهم‌ترین این عناوین، جرم قوادی مندرج در ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی است که با تسهیل و واسطه‌گری در روابط نامشروع جنسی مقابله می‌کند (برهانی، ۱۳۸۸: ۲۷). از همین نقطه نظر، در غیاب نص صریح قانونی دربارهٔ روسپیگری، نظام عدالت کیفری ایران با استفاده از ظرفیت‌های موجود در عناوینی مانند قوادی و افساد فی الارض، به مقابلهٔ نظام‌مند با این پدیده پرداخته است (همان: ۲). این رویکرد نشان‌دهندهٔ تلاش مقنن و محاکم قضایی برای حفظ نظم عمومی و اخلاق جامعه، حتی در صورت فقدان عنوان اختصاصی است.

ماهیت جرم واسطه‌گری در جرایم جنسی که نوعی تسهیل و تدارک مقدماتی جهت ارتباط افراد برای انجام عمل جنسی است، در ظاهر در تشابه با عمل روسپیگری است. از گذر همین تشابه، بر حسب مفاد ماده ۲۴۲، جرم قوادی حاکی از فعالیت اشخاص ثالثی است که تحت عناوینی همچون واسطه‌گر یا تهیه‌کنندهٔ مکان یا ایجاد ارتباط بین طرفین، شرایط را جهت انجام جرایم جنسی مساعد می‌کنند. مقنن در ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی در تعریف قوادی مقرر می‌دارد: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است». با مقایسهٔ صورت گرفته مشخص می‌گردد که در جرم قوادی، به هم‌رسانی افراد انسانی توسط شخص ثالث صورت می‌گیرد و چنین تدبیری اگرچه در شمار جرایم مانع می‌تواند در منع و جلوگیری از جرایم جنسی مفید باشد ولیکن متفاوت از تعاریف موجود از روسپیگری است، چرا که در روسپیگری، متقاضی روابط جنسی، عمل جنسی را برای خود مطالبه می‌کند در حالی که در قوادی، اشخاص ثالث (قواد) مرتکب عمل می‌گردد. برای نمونه، همانگونه که قبلاً اشاره شد، در کشور انگلیس در بند یک ماده ۲ قانون جرایم جنسی مصوب ۱۹۸۵ بیان گردیده: «اگر مردی در یک خیابان یا مکان عمومی مدام از زنی (یا زنان مختلف) به منظور فحشا طلبی کند، مرتکب جرم می‌شود». از سوی دیگر، جرم روسپیگری در مقام جرم‌انگاری تقاضای عمل جنسی از سوی مرد و زن برآمده که حتی به صرف تقاضا در موارد چندی اگر مشتمل بر تحریک طرف مقابل باشد به وقوع می‌پیوندد، درحالی که جرم قوادی بر حسب تصریح تبصره یک ماده ۲۴۲ منوط به تحقق زنا یا لواط است. بر همین اساس حتی رفتار فرد ثالث را در مرحلهٔ واسطه‌گری نمی‌توان مشتمل بر تعریف قوادی کرد چراکه در عمل زنا یا لواط بایستی اتفاق بیافتد

۱. ماده ۲۴۲: قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است.

تبصره ۱- حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیر این صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است.

تبصره ۲- در قوادی، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست.

چراکه اعتقاد بر آن است که جرم قوادی یک جرم مقید به حساب می‌آید (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۲۶۸). بر اساس همین استدلال، به نظر می‌آید جرایم قوادی و روسپیگری در نیازمندی به وقوع نتیجه متفاوت از هم هستند که در نوع خود واجد آثار متعددی می‌تواند باشد.

یکی از وجوه افتراق اساسی بین جرم روسپیگری و قوادی، در گسترهٔ شمول این دو عنوان کیفری نهفته است. در تعریف روسپیگری، تقاضای عمل جنسی به شکل عام مدنظر قرار گرفته که شامل هرگونه رابطهٔ جنسی اعم از نزدیکی یا سایر اشکال روابط جنسی می‌شود (Martin, 1997: 364). این در حالی است که جرم قوادی در ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی به شکل مضیق‌تری تعریف شده و صرفاً شامل به‌هم‌رسانی افراد برای ارتکاب زنا یا لواط می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر، طبق دیدگاه حقوق‌دانان، دایرهٔ شمول جرم قوادی و سایر جرایم منافی عفت مصرح در قانون مانند مساحقه و تفخیز را دربرنمی‌گیرد (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۲۶۸). این محدودیت تعریف‌شناختی موجب شده است که در عمل، خلأ کیفری در برخورد با تسهیل‌گران سایر اشکال روابط جنسی غیرقانونی پدید آید. چنین رویکردی نشان‌دهندهٔ نارسایی نظام کیفری ایران در انطباق با تمامی مصادیق مدرن جرایم جنسی است، حال آنکه جرم روسپیگری به دلیل ماهیت عام‌گرایانه‌تر، توانایی بیشتری در پوشش دادن رفتارهای مجرمانه متنوع در این حوزه دارد.

۳-۳. روسپیگری از گذر جرم تشکیل مراکز فساد و فحشا

جرم‌انگاری تشکیل و ادارهٔ مراکز فساد و فحشا، از جمله سیاست‌های تقنینی برای هشدار به بانیان اینگونه مراکز و پیشگیری از وقوع جرائم جنسی غیرقانونی است. در نظام کیفری ایران، مطابق ماده ۶۳۹ تعزیرات، «دایر یا اداره کردن مرکز فساد یا فحشا» جرم‌انگاری شده و مجازات شدیدی برای آن پیش‌بینی شده است. بر اساس این قانون، مرتکبان این جرم به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند. همچنین، چنانچه فردی مرتکب جرم دایر کردن مرکز شود، علاوه بر مجازات حبس، محل مربوطه نیز به طور موقت و با نظر دادگاه بسته خواهد شد. قانون‌گذار در همین راستا، «تشویق مردم به فساد یا فحشا» یا «فراهم کردن موجبات آن» را نیز با مجازات حبس قابل تعقیب دانسته است.

با امعان نظر به مقررۀ فوق، اعمالی که ذاتاً معاونت در جرم محسوب می‌گردد به دلیل مضرات آن، به عنوان یک جرم مستقل لحاظ گردیده. بنابراین با آنکه تهیه کردن اماکن برای غیر جهت ارتکاب جرایم نامشروع و غیرقانونی، می‌تواند به عنوان معاونت در جرایم منافی عفت قرار گیرد و لیکن مقنن به قصد سخت‌گیری در مجازات چنین عملی، مجازات آن را به صورت یک جرم مستقل اعمال می‌کند. با بررسی دقیق ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی، مشاهده می‌شود که مقنن به صورت صریح و محدود، تنها دایرکنندگان و اداره‌کنندگان مراکز فساد و فحشا را مشمول مجازات دانسته است. این

رویکرد قانون‌گذار به وضوح نشان می‌دهد که سایر افراد شاغل در این مراکز، از جمله روسپی‌ها، تحت شمول این ماده قرار نمی‌گیرند. حتی در خصوص بند دوم این ماده که به مجازات تشویق‌کنندگان مردم به فساد و فحشا اشاره دارد، با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، این بند صرفاً شامل حال تشکیل‌دهندگان و مدیران مرکزی می‌شود که اقدام به ترغیب و تشویق افراد می‌نمایند (برهانی، ۱۳۸۸: ۳۶). این رویکرد قانون‌گذار بیانگر آن است که نظام کیفری ایران به صورت آگاهانه و عامدانه، دایره شمول این ماده را محدود به سازمان‌دهندگان و مدیران مراکز مذکور نموده و عمداً از تحت پوشش قرار دادن سایر عوامل حاضر در این چرخه، از جمله ارائه‌دهندگان مستقیم خدمات جنسی، خودداری کرده است. به نظر چنین رویکردی نیازمند بازنگری و اصلاح قانونی است تا بتواند تمامی حلقه‌های زنجیره این پدیده مجرمانه را تحت پوشش قرار دهد. مقررۀ فوق در پیش‌نویس لایحه تعزیرات در نسخه ۱۴۰۱ با تغییراتی گنجانده شده است. با وجود تغییراتی که لایحه نسبت به مواد قبلی ایجاد نموده ولیکن همچنان در عدم صراحت در جرم‌انگاری عنوان روسپیگری و ابهام در تطبیق ماده قانونی با رکن مادی روسپیگری واجد ایراداتی هست.^۱

۳-۴. روسپیگری از گذر جرم تظاهر به عمل حرام در ملاعام

در قوانین کیفری ایران، نظم همگانی و تأمین آسایش عمومی در معابر و اماکن عمومی اقتضایی برای جرم‌انگاری برخی جرایم خرد نیز شده است. برخی از این مقررات، گاهاً جهت مقابله با روسپیگری مورد استناد قرار می‌گیرد که نمونه آن جرم تظاهر به عمل حرام در ملاعام موضوع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی است. در این مقررۀ افرادی که علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی کنند علاوه بر کیفر آن عمل حرام، مرتکب جرم تظاهر به عمل حرام در ملاعام گردیده‌اند. اعتقاد بر این است که به دلیل ذکر عنوان عمل حرام که مصادیق مختلفی دارد، چنین مقرره‌ای بر خلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات می‌باشد (برهانی، ۱۳۸۸: ۳۶). ابهام این ماده در نوع خود باعث گردیده که در مورد مصادیق اعمال حرام در صورتی که مرتکب تظاهر به فعل حرام کند، عمل وی جرم محسوب و قابل پیگرد باشد. بر همین اساس برخی از حقوق‌دانان، مصادیقی همچون خوردن گوشت خوک در ملاعام یا ادرار مکشوف العوره در ملاعام را به دلیل تظاهر به عمل حرام قابل مجازات دانسته‌اند. چنین استدلالی به نظر می‌رسد در مورد روسپیگری نیز

۱. ماده ۱۸۲ پیش‌نویس لایحه تعزیرات: هر شخصی محلی را برای ارتکاب فساد یا فحشا دایر یا اداره کند، به حبس درجه چهار محکوم می‌شود و در صورتی که دیگران را به فساد یا فحشا تشویق یا موجبات ترویج آن را فراهم یا تسهیل کند، چنانچه رفتار مرتکب مشمول عنوان حد قوادی باشد علاوه بر مجازات حد قوادی، به حبس درجه پنج و چنانچه رفتارهای مذکور به صورت سازمان یافته باشد به حبس درجه سه محکوم می‌شود.

صدق دارد. با استناد بر ماده ۶۳۸ در زمانی که فرد روسپی در اماکن عمومی با فریاد قیمت خدمات جنسی را بیان می‌کند می‌تواند مصداقی از تظاهر بر عمل حرام قلمداد گردد با این وجود در این مورد، عقیده بر این است که اگر زنی، زن دیگر را در معبر عام به عمل منافی عفت یا غیر آن دعوت کند، انطباقی با جرم تظاهر به عمل حرام ندارد چراکه مکالمهٔ دوزن هر جا که باشد بزه خلاف عفت عمومی نیست (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۶۱۲). از سوی دیگر، بزه روسپیگری که غالباً به صورت جلب مشتری به طریق مخفیانه قابل ارتکاب است، به دلیل عدم ارتکاب علنی آن، مستند به ماده ۶۳۸ قابل تحقق و مجازات نیست (برهانی، ۱۳۸۸: ۳۶). پیش‌نویس لایحهٔ تعزیرات نسخه ۱۴۰۱ با وجود عدم صراحت در بیان رکن مادی روسپیگری، نسبت بر قوانین سابق از صراحت بهتری برخوردار است چرا که در ماده ۱۱۷۷ صرف ارتکاب فعل حرام در انظار عمومی که موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی می‌گردد را مستوجب مجازات اجتماعی دانسته است. البته مقررۀ فوق از دو نظر محل ایراد دارد: یکی آنکه فعل حرام عنوان کلی بوده و احراز آن به دلیل عدم احصا در قانون نیازمند رجوع به منابع شرعی است که چنین موردی در محاکم کیفری با عدول از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات که مبین ذکر صریح عنصر مادی عمل مجرمانه در قانون است، باعث اختلاف در آرا می‌گردد و از سوی دیگر در عنوان مورد بحث یعنی جرم روسپیگری همانطور که در بالا بیان گردید عنصر مادی در قالب درخواست اعمال جنسی یا پیشنهاد اعمال جنسی خارج از چهارچوب قانونی می‌باشد که اگرچه می‌تواند واجد وصف فعل حرام باشد با این همه اگر مقنن اراده بر جرم‌انگاری عمل یاد شده دارد چه بهتر که آن را در قالب مقررۀ خاصی و با ارکان مجرمانه موجود جرم‌انگاری نماید.

۳-۵. ممنوعیت مطلق روسپیگری کودکان

به کارگیری کودکان و نوجوانان در اعمال جنسی، دارای قوانین متفاوت از بزرگسالان است. اگرچه در مورد بزرگسالان با تدابیری همچون جواز کارگری جنسی یا مدیریت و مداخله در کارگری جنسی در برخی از کشورها مواجه هستیم و لیکن در مورد کودکان و نوجوانان، کارگری جنسی مورد ممنوعیت قرار گرفته و غالباً با تدابیری همچون ممنوعیت استثمار جنسی یا ممنوعیت فعالیت جنسی زیر سن قانونی، به مقابله با پدیدهٔ روسپیگری کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود. استثمار و سوءاستفادهٔ جنسی از کودکان بدون تردید بدترین و نامیمون‌ترین شکل خشونت علیه کودکان محسوب می‌شود و آسیب‌های جسمی و روانی جبران‌ناپذیری را به کودکان بزه‌دیده، به‌ویژه بنیان‌های شخصیت آن‌ها، تحمیل می‌کند. بدین سان ضروری است که وضعیت روسپیگری کودکان و

۱. هر شخصی در انظار عمومی مرتکب فعل حرامی شود که موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی شود یا به ارتکاب فعل حرامی تظاهر کند، به یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه هفت محکوم می‌شود.

نوجوانان و قوانین مرتبط با آن در گفتاری جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی در حوزه معامله اطفال و نوجوانان تا تصویب ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ خلاً قانونی وجود داشت چرا که با توجه به رضایت والدین به عنوان فروشنده و خریدار و نیت خیر هر دو طرف معامله به منظور مراقبت بهتر از کودک، رفتار مجرمانه ارتکاب پیدا نمی‌کرد (گلدوزیان و هدایتی گودرزی، ۱۴۰۱: ۲۶۰). اما با تصویب این ماده، هیچ توجیهی جهت معامله پذیرفته نشد و این عمل فارغ از هر سوءنیت و انگیزه خاصی (مانند مراقبت از کودک یا نوجوان) برای معامله کنندگان جرم محسوب شد. ماده ۱۱ قانون مذکور در این مورد مقرر کرده که: «هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان ممنوع بوده و مرتکب به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود». با توجه بر آنکه مقنن هرگونه معامله در مورد طفل یا نوجوانان را ممنوع کرده است، دیگر مقاصدی مانند آنکه والدین اعلام کنند به قصد تربیت بهتر یا بهره‌مندی از رفاه و آسایش، اقدام به فروش کودک و نوجوان کرده‌اند مانع تشکیل جرم نخواهد بود. از سوی دیگر مقنن در ادامه ماده ۱۱، سوءنیت مرتکب را مؤثر در تشدید مجازات دانسته است و مقرر داشته: «چنانچه این رفتار با هدف فحشاء و هزه نگاری، بهره‌کشی اقتصادی، برداشت اعضاء یا جوارح و یا استفاده از طفل و نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود». چنین قصدی به وضوح توسط مقنن تعریف شده است چراکه بر حسب بند «ج» ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، فحشاء عبارت است از هرگونه به‌کارگیری و یا وادار کردن طفل و نوجوان در فعالیت‌های جنسی برای خود یا دیگری. گفتنی است در این بین ضرورتی ندارد هر دو طرف معامله سوءنیت خاص داشته باشد، به طور مثال اگر کسی برای پدر فقیر طفلی این چنین وانمود کند که هدفش از خرید طفل نگهداری وی در شرایط بهتر و خوشبخت کردن او است لکن قصد خاص وی در واقع استفاده از طفل جهت فحشاء باشد در این صورت و به شرط انجام معامله، پدر به حبس درجه ۵ و خریدار به حبس درجه ۴ محکوم می‌شود (گلدوزیان و هدایتی گودرزی، ۱۴۰۱: ۲۸۰). با این وجود شاید یکی از مهم‌ترین مقررات کیفری در مواجهه با توریسیم جنسی اطفال و نوجوانان قوانین و تمهیداتی باشد که به‌واسطه آن بتوان با دلالت و واسطه‌گرانی که اقدام به خرید و فروش کودکان و نوجوانان می‌کنند مبارزه کرد. در واقع چنین افرادی، تجارت کودکان و نوجوانان را به نوعی پیشه و حرفه خود قرار داده‌اند. تبصره یک ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در این مورد مقرر می‌دارد: «اشخاصی که واسطه‌گری در ارتکاب جرم موضوع این ماده را حرفه خود قرار داده باشند، به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مباشر جرم محکوم و در غیر این صورت به مجازات معاون محکوم می‌شوند».

نتیجه

روسپی‌گری به عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی، همواره چالش‌های حقوقی، اجتماعی و اخلاقی قابل توجهی را برای نظام‌های تقنینی مختلف ایجاد کرده است. این پژوهش با رویکردی تطبیقی به بررسی سیاست‌های کیفی و تقنینی دو نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا در مواجهه با این پدیده پرداخته است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که رویکردهای اتخاذ شده در این نظام‌ها، متأثر از مبانی فلسفی، ارزش‌های فرهنگی و ملاحظات اجتماعی هر جامعه بوده و در نتیجه، شاهد تنوع قابل توجهی در شیوه‌های برخورد با این مسئله هستیم. در این راستا، بررسی تطبیقی مدل‌های مختلف، از جرم‌انگاری کامل تا قانونی‌سازی محدود، می‌تواند نقاط قوت و ضعف هر سیستم را آشکار ساخته و زمینه‌ساز ارائه راهکارهای مؤثرتر در سیاست‌گذاری کیفی باشد. نتایج این مطالعه ضمن تبیین تفاوت‌های بنیادین بین دو نظام حقوقی، امکان بهره‌گیری از تجارب موفق هر یک را در چارچوب ارزش‌ها و مبانی حقوقی هر کشور فراهم می‌سازد.

پدیده روسپیگری به عنوان یک چالش اجتماعی - حقوقی، در اسناد بین‌المللی با رویکردی دوگانه و بعضاً متناقض مورد توجه قرار گرفته است. از یک سو، کنوانسیون‌هایی مانند پروتکل پالمو (۲۰۰۰) و کنوانسیون حقوق کودک، با تمرکز بر مبارزه با قاچاق انسان و استثمار جنسی کودکان، روسپیگری را در چارچوب نقض حقوق بشر و خشونت علیه زنان تحلیل می‌کنند. از سوی دیگر، نهادهایی مانند برنامه مشترک سازمان ملل در زمینه ایدز با استناد به حقوق کارگران جنسی، خواستار جرم‌زدایی از فعالیت‌های داوطلبانه بزرگسالان شده‌اند. این تناقض در سطح بین‌المللی نشان‌دهنده عدم اجماع بر سر ماهیت روسپیگری است.

در حقوق اتحادیه اروپا، با وجود عدم وجود سیاست واحد، چهار مدل اصلی شکل گرفته است: مدل سوئدی (جرم‌انگاری خرید خدمات جنسی طبق قانون ۱۹۹۹)، مدل هلندی (قانونی‌سازی و نظارت بر روسپی‌خانه‌ها بر اساس قانون ۲۰۰۰)، مدل انگلیسی (تنظیم فعالیت‌ها با تمرکز بر کاهش آسیب طبق قانون جرایم جنسی ۱۹۸۵) و مدل ممنوعیت مطلق کودکان (پیروی از کنوانسیون لانزروت ۲۰۰۷). مدل سوئدی با تأکید بر برابری جنسیتی، خریداران را مجرم می‌داند، در حالی که مدل هلندی با قانونی‌سازی، به دنبال کاهش بازار سیاه و بهبود شرایط کاری است. در مقابل، انگلیس با ایجاد «مناطق تحمل» و همکاری با سازمان‌های مردمی، رویکردی عمل‌گرایانه دارد. با این حال، همه کشورهای اروپایی در مورد ممنوعیت روسپیگری کودکان (ماده ۱۹ کنوانسیون لانزروت) اتفاق نظر دارند.

در مقایسه با اتحادیه اروپا، نظام حقوقی ایران فاقد تعریف صریح از روسپیگری در قوانین موضوعه است و برخورد با این پدیده عمدتاً از طریق عناوین کلی مانند زنا (مواد ۲۲۴ تا ۲۴۱ قانون مجازات

اسلامی)، قوادی (ماده ۲۴۲) و تشکیل مراکز فساد (ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات) صورت می‌گیرد. در حالی که اروپا به دنبال تمایز بین روسپیگری داوطلبانه و اجباری است، در ایران تمامی اشکال روابط جنسی خارج از چارچوب نکاح، جرم محسوب می‌شود. با این حال، مشابه اروپا، ایران نیز در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) به ممنوعیت مطلق استعمار جنسی کودکان (ماده ۱۱) پرداخته و سوءاستفاده جنسی از آنان را به عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری کرده است. از همین نقطه نظر، تفاوت موجود بین دو نظام در مبانی فلسفی آن‌ها نهفته است: در اروپا، سیاست‌ها تحت تأثیر مکاتب فمینیستی و حقوق بشری شکل گرفته، در حالی که در ایران، رویکرد غالب در برخورد کیفری با جرایم جنسی به ویژه پدیده روسپیگری بیشتر تحت تأثیر مبانی فقهی می‌باشد. البته در حقوق ایران مبانی فقهی در نوع خود در توجه بر عرف و اقتضای موجود، بر جامعه توجه نموده و در نظر شارع مقدس لحاظ گردیده است. با این حال، هر دو نظام با چالش‌های مشترکی مانند پنهان‌کاری، افزایش قاچاق جنسی و نقض حقوق بزه‌دیدگان مواجه هستند. برای بهبود وضعیت، پیشنهاد می‌شود ایران با حفظ اصول اسلامی، از تجارب اروپا در زمینه تعریف قانونی روسپیگری، برنامه‌های کاهش آسیب و تقویت حمایت از بزه‌دیدگان بهره بگیرد. البته چنین برداشتی به دلیل رویکرد تطبیقی مابین ایران و اتحادیه اروپایی بیان می‌گردد که به نظر در قالب بهره‌مندی از تجارب تقنینی کشورهای دیگر می‌تواند مفید باشد. با این همه به نظر متناسب با عرف و فرهنگ کشور و نیز به دلیل وجود خزانه فقهی در ایران، شایسته است عنوان روسپیگری با لحاظ پیشینه فقهی آن مورد بررسی قرار گیرد و در صورت نیاز، اسناد و رویه کشورهای اروپایی به عنوان تجارب تقنینی مورد دقت واقع شود.

پاسخ به پرسش تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی ایران و کشورهای منتخب اتحادیه اروپا در مواجهه با پدیده روسپیگری، از رویکردهای تقنینی و کیفری متفاوتی برخوردارند که ریشه در مبانی ارزشی، فرهنگی و حقوقی هر یک از این جوامع دارد. در حقوق ایران، روسپیگری عمدتاً از طریق عناوین کیفری عام مانند زنا (مواد ۲۲۴-۲۴۱ قانون مجازات اسلامی)، قوادی (ماده ۲۴۲) و تشکیل مراکز فساد (ماده ۶۳۹ تعزیرات) پیگیری می‌شود، در حالی که در کشورهای اتحادیه اروپا، رویکردها متنوع‌تر و خاص‌نگاری شده‌اند. این تفاوت ناشی از اتکای نظام حقوقی ایران به مبانی فقهی است که هرگونه رابطه جنسی خارج از چارچوب نکاح را ممنوع می‌کند، در حالی که اروپا بین اشکال داوطلبانه و اجباری روسپیگری تمایز قائل می‌شود. با این حال، تشابهات کلیدی نیز بین این دو نظام وجود دارد. هر دو در ممنوعیت مطلق استعمار جنسی کودکان (ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال ایران و ماده ۱۹ کنوانسیون لانزاروته) و نیز در مبارزه با قاچاق جنسی (پروتکل پالمو و ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان ایران) همسو هستند. این نقاط مشترک نشان‌دهنده توجه

هر دو نظام به حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و مقابله با اشکال سازمان‌یافته این پدیده است. از منظر تأثیرات اجتماعی و حقوق بشری، یافته‌ها حاکی از آن است که در اروپا، مدل‌هایی مانند هلندی (با رویکرد قانونی‌سازی) منجر به کاهش خشونت علیه کارگران جنسی شده، اما نگرانی‌هایی درباره افزایش قاچاق انسان در پی این سیاست وجود دارد. در مقابل، مدل سوئدی (با محوریت جرم‌انگاری خریدار) با چالش‌هایی مانند دشواری اثبات جرم و انتقال فعالیت‌ها به فضای پنهان مواجه است. در ایران، عدم تفکیک بین اشکال داوطلبانه و اجباری روسپیگری و فقدان برنامه‌های کاهش آسیب، موجب محدودیت در حمایت از بزه‌دیدگان شده است. این امر نشان می‌دهد که رویکردهای کیفی صرف، بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و حمایتی، نمی‌توانند به تنهایی پاسخگوی این پدیده پیچیده باشند.

در بعد اخلاقی نیز نظام‌های حقوقی مورد بررسی با چالش‌های متفاوتی روبه‌رو هستند. در اروپا، تنش بین آزادی فردی و اخلاق جمعی به ویژه در کشورهایی مانند هلند که روسپیگری را قانونی کرده‌اند، مشهود است. در مقابل، ایران با چالش حفظ ارزش‌های اسلامی در مواجهه با پدیده‌های نوین اجتماعی مواجه است و این مسئله گاه منجر به تعارض بین الزامات حقوق بشری و موازین شرعی می‌شود.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که این پژوهش نشان می‌دهد هیچ مدل واحدی نمی‌تواند پاسخگوی تمامی ابعاد این پدیده باشد. با این حال، نظام حقوقی ایران می‌تواند با تدوین قوانین خاص روسپیگری (به جای استفاده از عناوین عام)، توسعه برنامه‌های کاهش آسیب و حمایت از بزه‌دیدگان و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با قاچاق جنسی، ضمن حفظ اصول اسلامی، به سیاست‌گذاری کیفی مؤثرتری دست یابد. این مطالعه بر ضرورت تلفیق رویکردهای تقنینی، حمایتی و پیشگیرانه در هر دو نظام حقوقی تأکید دارد و نشان می‌دهد که حل چالش‌های ناشی از روسپیگری مستلزم نگاهی جامع‌نگر و چندبعدی است که هم به ابعاد امنیتی و کیفری و هم به الزامات اجتماعی و حقوق بشری توجه کند.

پیشنهاد می‌گردد در کنار عناوین موجود، «روسپیگری» به عنوان یک عنوان مجرمانه مستقل و صریح جرم‌انگاری گردد. این عنوان جدید می‌تواند رکن مادی این پدیده را به شکلی کامل‌تر و مستقیم‌تر پوشش داده و از ابهامات تفسیری مرتبط با تطبیق مصادیق با عناوین عام بکاهد. همچنین، با الهام‌گیری از الگوهایی مانند کشور سوئد، پیشنهاد می‌شود در مواردی که قربانیان این جرم، از افراد آسیب‌پذیر محسوب می‌گردند، کیفیات مشدده در نظر گرفته شده و مجازات تشدید گردد. با توجه بر آسیب جرم روسپیگری بر رفاه و سلامت محله‌هایی که روسپی‌ها در آن به جذب مشتریان

برای خود می‌پردازند، به نظر می‌رسد ضمن حفظ حریم خصوصی افراد و با اتکا بر برنامه‌های محله‌محور، ضمن افزایش آگاهی افراد نسبت بر مضرات جرم روسپیگری از جمله شایع شدن بیماری‌های افونی و سرایتی، برنامه‌های جهت ترویج فرهنگ ازدواج و سهولت در تشکیل خانواده تدوین گردد. با توجه به آنکه، پیشگیری مقدم بر مجازات کیفری است، به نظر با ارائه راهکارهای پیشگیرانه از جمله مدیریت بر فضای مجازی، از پخش محتواهای جنسی نظیر کلیپ یا عکس و ایجاد شبکه‌های ارتباطی با هدف روابط جنسی استثماریانه جلوگیری گردد. این مهم در سطح اتحادیه اروپایی با تدابیری نظیر سیم‌کارت ویژه کودکان عملی گردیده است به طوری که چنین سیم‌کارت‌هایی حتی به‌واسطه فیلترشکن، توانایی ورود بر سایت‌های حاوی محتوای مستهجن و غیرقانونی را ندارد. همچنین آموزش قضات و ضابطان دادگستری برای تمایز قائل شدن بین بزهکار و بزه‌دیده در پرونده‌های روسپیگری نیاز است. بدین سان با ایجاد نگرشی بزه‌دیده‌محور و بزه‌دیده‌انگاری مطلق افرادی که اغفال خورده یا مورد فریب واقع شده‌اند، از بزه‌دیدگی مجدد آنان توسط نظام قضایی کشور جلوگیری گردد. بدین سان ایجاد سازوکارهای درون سازمانی خاص و استفاده از قضات متخصص در این امر، ضروری به نظر می‌آید.

منابع

فارسی

- آشوری، محمد و همکاران. (۱۳۸۳). حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی. چاپ پنجاه و شیشم، تهران: نشر میزان.
- اسدزاده، سعید. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی اصول و راهبردهای مبارزه با تورسیم و قاچاق جنسی کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا. پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه.
- احسان‌پور، سیدرضا و قدمی عزیزآباد، مصیب. (۱۴۰۳). مؤلفه‌های سیاست جنایی مطلوب در رابطه با پیشگیری از بزه دیدگی جنسی کودکان در فضای مجازی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۵.
- رحمدل، منصور. (۱۳۹۲). تناسب جرم و مجازات. چاپ دوم، تهران: نشر جنگل.
- صفاری، علی. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی بزه‌دیدگان اطفال. چاپ یازدهم، تهران: نشر جنگل
- معتمدی مهر، مهدی. (۱۳۸۰). حمایت از زنان در برابر خشونت. تهران: انتشارات برگ زیتون.
- آقابابایی، حسین. (۱۳۸۹). قلمرو امنیت در حقوق کیفری»، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ایران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- برهانی، محسن. (۱۳۸۸). سیاست کیفری ایران در قبال روسپیگری. مطالعه راهبردی زنان، دوره ۴۲، شماره ۱۲
- فرجی، حمید. (۱۴۰۲). شاخصه‌های مبانی نظری سیاست جنائی اسلام. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۳.
- داشاب، مه‌ریار. (۱۳۹۷). تأملی بر کنوانسیون لانزاروته شورای اروپا در خصوص حمایت از کودکان در برابر استثمار و سوءاستفاده جنسی. پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۰، شماره ۶۰.
- گلدوزیان، حسین و هدایتی گودرزی، حنا. (۱۴۰۱). تحلیل کیفری سوء استفاده جنسی از اطفال و نوجوانان از منظر حقوق کیفری ماهوی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۹۷، شماره ۲۷.

انگلیسی

- Brown, Gavin & Browne, Kath (Eds.) (2016), *The Routledge Research Companion to Geographies of Sex and Sexualities*. London: Routledge.
- Davis, Nanette J. (Ed.) (1993), *Prostitution: An international handbook on trends, problems, and policies*. Greenwood Press.
- Edwards, Susan (1993). Prostitution in England and Wales. In Nanette J. Davis (Ed.), *Prostitution: An international handbook on trends, problems, and policies*, Westport: Greenwood Press.
- Davis, Nanette J. (Ed.) (1993), *Prostitution: An international handbook on trends, problems, and policies* (pp. 108-128), Westport: Greenwood Press.
- Fox, Jessica A. (2021). International law after dark: How legalized sex work can comport with international and human rights law. *Chicago Journal of International Law*, 22, 185.
- Goodey, Jo. (2005). *Victims and victimology: Research, policy and practice*. Harlow: Pearson Education.
- Jahnsen, Synnøve & Wagenaar, Hendrik. (2017). *Assessing prostitution policies in Europe*. Abingdon: Routledge.

- Levy, Jay. (2014). *Criminalising the purchase of sex: Lessons from Sweden*. Abingdon: Routledge.
- Outshoorn, Joyce. (2004). Introduction: Prostitution, women's movements and democratic politics. In Joyce Outshoorn (Ed.), *The politics of prostitution: Women's movements, democratic states and the globalization of sex commerce* (pp. 1-20). Cambridge: Cambridge University Press.
- Wagenaar, Hendrik, Altink, Sietske & Amesberger, Helga. (2017). *Designing prostitution policy: Intention and reality in regulating the sex trade*. Bristol: Policy Press.
- Brants, Chrisje (1998). The fine art of regulated tolerance: Prostitution in Amsterdam. *Journal of Law and Society*, 25 (4), 621–635.
- Bąkowski, Piotr., & Prpic, Martina. (2024). Regulation of prostitution in the European Union: Laws and policies in selected EU Member States.
- Waltman, Max. (2025). Legal prostitution: A crime against humanity?. *Harvard International Law Journal*, 66(1), 153-228.
- Platt, L., Grenfell, P., Meiksin, R., Elmes, J., Sherman, S. G., Sanders, T., ... & Crago, A. L. (2018). Associations between sex work laws and sex workers' health: A systematic review and meta-analysis of quantitative and qualitative studies. *PLoS medicine*, 15(12), e1002680.
- Jehle, J. M. (2012). Attrition and conviction rates of sexual offences in Europe: Definitions and criminal justice responses. *European Journal on Criminal Policy and Research*, 18, 145-161.
- Phoenix, J. (2003). Rethinking youth prostitution: National provision at the margins of child protection and youth justice. *Youth Justice*, 3(3), 152-168.
- Allwood, G. (2018, July). Agenda setting, agenda blocking and policy silence: Why is there no EU policy on prostitution?. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 69, pp. 126-134).

Documents

- Government of Sweden. (1999). The Swedish law that prohibits the purchase of sexual services: An evaluation 1999–2008. *Ministry of Justice*.
- Government of Sweden. (2005). Penal code (Brottsbalk 1962:700), Chapter 6: Sexual offences. Ministry of Justice.
- Government of Sweden. (2018). National action plan to combat prostitution and human trafficking.
- Government of Sweden. (2022). Strategy for preventing and combating men's violence against women (2022–2026).
- Home Office (UK). (2006). A coordinated prostitution strategy and a summary of responses to Paying the Price (Home Office Report No. 281236).
- Ministry of Industry, Employment and Communications (Sweden). (2003). Gender equality and prostitution policy in Sweden. Government Offices of Sweden.
- Swedish Gender Equality Agency. (2018). Prostitution and human trafficking: Clearly intertwined issues.
- Al-Salem, R. (2023). *Strengthening the fight against prostitution systems and providing support to prostituted persons in France: Statement on France's 2016 law*. Office of the High Commissioner for Human Rights.
- Provost, T. (2016). *Shaky ground: How ambivalent approaches to prostitution law have undermined international efforts to end it*.
- Claude, K. (2010). *Targeting the sex buyer: The Swedish example—Stopping prostitution and trafficking where it all begins*. Swedish Institute.